



رفتار با کودکان

toloos@hotmail.com

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

کودکان مقدمند: ما با سؤالهای زیادی در باره تحمیل و تبلیغ انتقال نظرات پدر و مادر به کودکان مواجه شده ایم. سؤال را ما اینگونه فرموله می کنیم: آیا پدر و مادر حق دارند که نظرات و دیدگاهها سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی خود را با توسل به تحمیل، تبلیغ و یا استدلال و بحث به کودکان، منتقل کنند؟

قسمت ششم

در شماره قبل، گفتیم که کودک ما آنقدر به ما وابسته است و آنقدر ذهن کوچک و ساده اش، پاک است که حتی اگر ما با تنبیه و داد و بیداد بیگانه باشیم، کافی است که او بو ببرد که ما از او "چه خصوصیتی" انتظار داریم، او تمام تلاشش را خواهد کرد که برای جلب محبت ما، آن خصوصیات مورد نظر ما را کسب کند. این مسئله خیلی حساس است و به سادگی نمی توان از کنار آن گذاشت. شما حتماً، مایکل جکسون را می شناسید. سلطان پاپ جهان. از نظر پسر من که مایکل یک خدا است. خدای موزیک، خدای رقص، خدای هنر. البته خیلی جاها، او حق دارد واقعاً، مایکل جکسون هنرمند بزرگی است. اما وقتی، این رسواییها را، مایکل به بار آورد، من با پسر، بر سر این موضوع که آیا حقیقت دارد، یا نه، بحثمان شد. یکی از استدلالهای او خیلی جالب بود، وی گفت: ببین پدر به این موضوع توجه کن که مایکل دوران کودکی خیلی وحشتناکی داشته، پدرش مجبورش میکرده که روزی ۱۲ تا ۱۴ ساعت تمرین کنه، حق بازی با دوستانش را نداشته، اصلاً مایکل مثل یک بچه معمولی بزرگ نشده، توی کارخونه جکسنها تولید شد که بشه، سلطان پاپ و شده، اما، مریضه و بدبخت، من فکر نمی کنم حتی اصلاً توانایی داشته باشه که یک سکس معمولی داشته باشه، چه برسه به سواستفاده از دیگران". این نظر پسر من بود، با اینکه او بالاخره می خواست از مایکل دفاع کنه، کاری ندارم، اما این که مایکل قربانی و مریضه و دلیل این امر را رفتار پدر مایکل می دانست، برایم جالب بود. رفتار پدری که خوشبختی فرزندش را هدف قرار داده بود. خوشبختی که او برای پسرش معنی می کرد. شغلی که او از همان نوزادی، برای مایکل، در نظر گرفته بود.

صفحه ۴

۱۴ دانش آموز در شعله های آتش سوختند

در آخرین دقایق انتشار نشریه مطلع شدیم که متأسفانه حداقل ۱۴ دانش آموز کلاسهای اول تا پنجم دبستان در آتش سوزی در استان چهار محال و بختیاری، در آتش سوختند. جزئیات خبر را در ادامه مطلب میخوانید. ما به خانواده این کودکان صمیمانه تسلیت میگوئیم و خود را در غم از دست دادن عزیزانشان شریک میدانیم. جمهوری اسلامی مسئول در قبال این دانش آموزان است. باید مسئولین این دیواری کاکلی و چوبی را مدرسه نامیدن و برای گرم کردن دانش آموزان از ابتدایی ترین وسایل گرمایی که بسیار خطرناک هستند، استفاده کردن و دهها مسائل دیگر

صفحه ۴

بازداشت گسترده پناهجویان افغان

هایشان به افغانستان اخراج کرده اند. در بین اخراج شدگان کودکان زیادی وجود داشته اند. ما شدیداً این وحشیگری جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم، همچنین سکوت سازمان ملل در این مورد و کمک این سازمان در اخراج پناهجویان افغان را محکوم می نمایم.



اند و تعداد نامعلومی حتی کشته شده اند. از تعدادی اخاذی کرده اند و آنها را موقتا آزاد نموده اند و تعداد نامعلومی را همراه با خانواده

طی دو هفته گذشته در شهرهای مختلف ایران از جمله کرمان و مشهد، ماموران انتظامی اقدام به بازداشت وسیع مهاجران افغان کرده اند. دستگیر شدگان به اردوگاههایی منتقل شده اند و چندین روز در آنجا زندانی بوده اند. در این هجوم فاشیستی مهاجرین افغان مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار گرفته

کودک در ادبیات ایران

سیری در تاریخچه ادبیات کودکان در ایران

در این حافظه تا میتوان باید اطلاعات ذخیره نمود و بس. به همین دلیل آن چه کودک و نوجوانان به وجود می آوردند تجانس با روحیه و طرز فکر او داشت و با توجه به ظن

صفحه ۴

به دوران کودکی به عنوان زمان آموزندگی و نقش پذیری نگریسته اند اما آنرا مورد مشاهده علمی قرار نداده اند. کودکی را گذری برای بزرگسالی میدانند. کودک را همان بزرگسال می بینند با قدرت آموزندگی بیشتر. پس

میلاد پرتوی، ایران تاریخچه مختصر در ادبیات کودکان را در قیاس با وسعت ادبیات فارسی باید در تاریخچه تعلیم و تربیت جست و جو نمود. پدر و مادر، مربیان تعلیم و تربیت و نویسندگان و محققین ایران

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

خانه من کجاست؟



مهرنوش
معظمی

قسمت چهارم

سخن قبلی مان را با مسئله فرار خاتمه دادیم! فرار ... طبیعتاً صحبت ناهنجار خطر پیش میآید. اما چرا انسان فرار میکند؟ آنگاه که وضعیت انسان در اجتماع بی ثبات میشود.

زمانی که وحشت از مرگ به جسم و روان ضربه های غیر قابل بهبودی وارد می سازد. مرگ آرزوها فرا میرسد. آینده رنگ باخته و بیمار رخ خود را به افراد خانواده نشان میدهد. من فکر میکنم که در اینجا باید روی واژه فرار مکث کنیم و آنرا توضیح دهیم! فرار امیدواری را در رفتن و گذاشتن، بیان میکند. نبودن آرامش، سر باز زدن از مسئولیتهایی که شخص در اجتماع دارد، گریز از وجدان، گریختن از قانونی که در جامعه حکمفرماست، گذاشتن دیروزها و گاه حتی نام و هویت، یافتن راهی که به زندان، شکنجه و اعدام ختم نشود، فرار همه اضطرابها و نگرانیها را در خود دارد! فرار آن رهانیدن از ظلم دیکتاتورها است، آن نیاز داشتن حق و حقوق انسانی است. فرار نگاه کردن به دیار غریبه است! به فردا ...

شاهین با محمد به دنبال آن بوی آشنا میدویدند، در کوچه های آشنا شهر اهواز و در خیابانها شیرینی های خانگی را گاز زده بودند بدون آنکه کسی به آنها تشر برود. آزاد از همه احم و غیض های بزرگترها میتوانستند هر کاری را انجام دهند و محمد می پرسید که باید بری خانه مادر بزرگ؟ آره ... چرا؟ و شاهین نمی دانست چرا ... ولی گفت ... پدر بزرگ مریضه! و دروغ گفته بود به محمد دوست خود که از یک خانواده مذهبی بود و در خدمت رژیم و او یاد گرفته بود که دنیای آنها با هم متفاوت داشت... با این همه محمد بهترین دوست او بود! ... و شاهین آنروزهای گرم تابستانی، تعطیلی مدرسه و خوابیدن در خانه مادر بزرگ را دوست داشت، غلت خوردن زیر آن پشه بندها در روی پشت بام، پیچ پیچ کردن با پسرخاله ها، خندیدن و روزها که بچرخد و بچرخد و به شاخه های پیر درخت خانه مادر بزرگ آویزان شود ولی صدایی بر نمی خیزد که شاهین ور پیری بسه بسه! ... همه افراد خانه دور هم بودند. چه سکوتی! و آدمها چقدر مهربان شده بودند! دایی محمود با مریم خانم در ایوان نشسته بودند و آهسته با هم حرف میزدند و شاهین زیر چشمی

صفحه ۲

دعوت از فعالین و صاحب نظران در امور کودکان حقوق کودکان جهانشمول است

دعوت از فعالین و صاحب نظران در امور مربوط به حقوق کودکان برای شرکت در کنفرانس کودکان مقدمند

کودکان مقدمند بعنوان نهاد بین المللی دفاع از حقوق کودک کنفرانسی را در ۱۸ و ۱۹ فوریه ۲۰۰۵ در شهر استکهلم سوئد تدارک دیده است که به موضوع جهانشمول بودن حقوق کودکان میپردازد. کودکان مقدمند معتقد است که در اروپا و امریکا تحت عنوان مولتی کالچرالیسم، نسبییت فرهنگی و احترام به فرهنگها نوعی تبعیض به کودکان بخصوص به کودکان مهاجر اعمال میشود. این کنفرانس در حراست از حقوق بدون قید شرط کودکان برای برخورداری از یک زندگی مرفه، امن و شاد میخواهد در عین نقد و افشاگری از مذهب و فرهنگهای عقب مانده، تاثیرات مخرب مولتی کالچرالیسم و نسبت فرهنگی را نیز نشان دهد.

در همین جا از همه صاحب نظران در امور کودکان و همه فعالین مدافع حقوق کودک میخواهیم با شرکت خود در این کنفرانس و ارائه نظرات و ایده های خود در این رابطه به تقویت مبارزه ما برای تامین حقوق کودک و برگزاری یک کنفرانس غنی و موفق همت بگذارند.

در صورت تمایل به ارائه سخنرانی در این کنفرانس با ما تماس بگیرید. همچنین از موضوع سخنرانی خود ما را مطلع سازید.

در این رابطه میتوانید با هما ارجمند دبیر کودکان مقدمند و یا کریم شامحمدی تماس بگیرید:

هما ارجمند: homawpi@rogers.com
کریم شامحمدی: karimshamohammadi@yahoo.se
www.childrenfirstnow.com

کودکان مقدمند

۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

کنفرانس

کودکان مقدمند برگزار می کند

"حقوق کودکان جهانشمول است"

۱۸ و ۱۹ فوریه در استکهلم

عناوین کنفرانس:

- کودکان و مولتی کالچرالیسم
- کودکان و مهاجرت
- کودکان و فرهنگ، سنن و مذهب
- کودکان و تجارت سکس

برای اطلاعات بیشتر با ای میل آدرس و تلفنهای زیر تماس بگیرید:

هما ارجمند، homawpi@rogers.com

تلفن: ۰۰۱ - ۴۱۶-۷۳۷۹۵۰۰

کریم شامحمدی:

Karimshamohammadi@yahoo.se

تلفن: ۰۰۴۶-۷۸۵۲۶۷۱۶

www.childrenfirstnow.com

دبیر

«کودکان مقدمند»

هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر

هفته نامه

«کودکان مقدمند»

امیر توکلی

tel: ۰۰ ۳۵۸ ۴۰۵۸۲ ۱۷۷۶

e.mail:

kodakan_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شها خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

Shahlaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه



اسماعیل مولودی
مددکار اجتماعی و
کارشناس امور پناهندگی

کودکان و جنگ

قسمت ششم

حتی زمانی که کودکان با خشونت نظرات خود را ابراز میدارند، لگد میزنند و یا داد می‌کشند باید این احساس را به رسمیت شناخت. البته باید از آزار رسانی به دیگران و اذیت اطرافیان بشدت جلوگیری شود. جنگ از آن جمله حوادثی است که هضم اش برای کودکان خیلی مشکل است. Abarg میگوید توضیح دادن جنگ برای کودکان ساده نیست زیرا کودکان متوجه نیستند که مثلا آمریکا از آنطرف دنیا به عراق چکار دارد و نمیتوانند قبول کنند. در اینجا خیلی مهم است که بزرگان و والدین تحلیل‌ها و نظرات خود را به کودکان تحمیل نکنند و یا از زاویه نظرات و تحلیل‌های خود جنگ را برای کودکان توضیح ندهند. مثلا صحبت در مورد امپریالیسم و سرمایه‌داری و ناسیونالیسم چه هستند. زیرا غیر ممکن است که کودکان از این بحث‌ها سر در بیاورند. البته نباید به کودکان دروغ گفت نباید واقعیات را از آنها پنهان کرد. این مسئله به سن و تجربه کودکان ارتباط مستقیم دارد. میشود در لفافه بعضی توضیح‌ها را داد ولی باید ساده و قابل فهم ذهن آنها باشد مثلا کودکان کوچک خیلی کنکرت و مشخص فکر میکنند و آنها نمیتوانند در لفافه حرف را قبول کنند. کودک اغلب به خوب و بد و یا خوشی و ناخوشی همه فکر میکند این مسئله را بخوبی میدانیم. مثلا نظر یک کودک در مورد همبازی اش. او یک روز میاید و میگوید دوستم خیلی خوب است و خیلی دوستش دارم و روز بعد میگوید خیلی احمق است و دیگر دوستم نیست. بهمین سادگی هم اوضاع را می‌بیند و تفسیر میکنند. اما کودکان بزرگتر میتوانند به جزئیات ماجراها پی ببرند و دنبال نمونه‌ها میگردند. اطلاعات و حقایق را پی میگردند. بدین وسیله میخواهند بر ترس خود غالب شوند و نیز هراس و دلهره خود را کم کنند. هم چنانکه قبلا گفتم کودکان همیشه به محیطی که خود درش هستند فکر میکنند ترس از این که جنگ در محیط زندگی آنها اتفاق افتد ترس از اینکه مبادا عزیزانش را از دست بدهد والدین باید توضیح قانع کننده برای آنها داشته باشند.

در بالا اشاره کردم که چگونه بزرگترها باید به سوالات جواب دهند. مثلا اگر بچه ات بپرسد آیا جنگ به سوئد میاید؟ آمریکا و صدام میتوانند به سوئد حمله کنند؟

صفحه ۴

کمک

در برنامه زنده تلویزیون کانال جدید دوستی از تهران بنام ثریا به تلویزیون تلفن زد و خبر داد که خانواده ای در بندرعباس صاحب پنج قلو شده اند. این خانواده فقیر هستند و در این مدت با فروش وسایل خانه به سختی توانسته اند شیر برای نوزادان تامین کنند. این نوزادان بیماراند و در بیمارستان بستری هستند.

ما از خوانندگان عزیز خواهش میکنیم که هر کمکی که میتوانند برای این خانواده انجام دهند. با ما تماس بگیرید و یا با آذر ماجدی در تلویزیون کانال جدید تا اطلاعات بیشتری در مورد این خانواده در اختیار شما بگذاریم. تلفن، تلویزیون کانال جدید برای اطلاعات بیشتر: ۱۶۸۴ ۷۲۶۳ ۴۴۲۰ ۰۰

ادامه

خانه من کجاست؟

به آنها می‌نگریست و حرفهای بچه‌های محله فکرش را آزار میداد که دایی محمود و مهری خانم معلم مدرسه بله و همه فامیل از این بله خوشحال بودند، بجز شاهین که از پسر نه ساله مهری خانم خوشش نمی‌آمد. نه این پسر که فوتبال را دوست نداشت و همه روز را در خانه کنار کامپیوتر بسر میبرد. از همه بدتر هرگز در محله دعوا نمیکرد و لباسهایش همیشه تمیز می‌ماند. نه، این پسره رل بازی می‌کرد و شاهین می‌دانست ولی مادرش و دایی محمود نمیدانستند! و دایی محمود و مهری خانم بله ... و دایی محمود پدر علی شود ... شاهین نمی‌خواست دایی محمود را با علی تقسیم کند، نه هرگز ولی شاهین هر روز نقشه می‌کشید که بالاخره یکروز شیشه اطاق علی را بشکند. یکروز که علی و مادرش با پدر بزرگ مهربان علی هم خانه نباشند یکروز مچ او را باز خواهد کرد و با این

آن معنای واقعی را از دست میدهد و موقعیت دو گانه ای پدیدار میشود، از یک طرف پدر و مادر باید علیرغم اهمیت خطر در ظاهر سازی و ادامه روال عادی زندگی کوشش کنند و از سوی دیگر برای اجرای فرار نقشه بکشند!

نگرانی از خشونت، دفعه بعد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ و کودک بی خبر است فشار روانی و جسمی کودک بی اطلاع است! غم و اندوه کودک با این درد آشنا نیست! باز یافتن تمرکز فکری و اندیشیدن به فرار کودک در کنار آنان نیست! وجدان ناراحت از بجای گذاشتن دیگر افراد فامیل کودک در بازی غرق است! طرح ریزی فرار از لحاظ امنیتی کودک را آگاهی نمی‌دهند! و اجرای فرار! در اینجا کودک حضور دارد و بزور و بدون حق تصمیم گیری بر احساس و سرنوشت خود همراه پدر و مادر میشود!

ادامه دارد

افکار از خستگی در گوشه ای از اطاق خوابش بردمدر همان اطاق آشنا، روی فرش قدیمی جهازی مادر بزرگ! مادرش هنوز در خانه خودشان بود و پدرش در تهران و مادر بزرگ پشه بندها را در پشت بام آویزان نکرده بود. کسی به فکر خوابیدن نبود.... خانواده خطر را جدی تر احساس میکند و دوباره رفتن به پشت میله های زندان، و دوباره خشونت و شکنجه ... اما حالا آنها در زندگی تنها نبودند. در کنار آنان فرزندان نیز در این اجتماع نابرابر بسر می‌برند، جامعه ای که آدمها به علت تضاد و بی حقوقی اجتماعی و سیاسی عملا بحساب نمی‌آیند! وقتی که به دلیل بیکاری و گرسنگی تامین معاش چند خانواده، یک تنه برعهده یک نفر تحمیل میشود و این شخص هم از جامعه کاری طرد میگردد. آن زمان که جنگ دیگر نبرد ارتش های دولتها نیست و مرگ و آزارهای جنسی، آوارگی در خانه های مردم عادی را میکوبد. خشونت و وحشت را در آدمها بوجود میآورد! زندگی

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

ادامه

کودک در ادبیات ایران

خودشان به کودک نزدیک میشدند. در زمینه افسانه ها، ملتها، داستانهای عامیانه که به طور طبیعی به وسیله مادران و پدران بازگو میشد این نقض دیده نمی شد. ادبیات عامیانه مانند ادبیات مردم در هر نقطه دیگر آینه ای است از خصوصیات خلقی و مسایل آن قوم. در لالیها غم تنهایی مادران دیده میشود. در ملتها شوخ طبیعی و رندی هوشیارانه و طبع طنزپسند ایرانی، در افسانه های حماسی روح بلند و آزادی طلب مردمی دیده میشود که همواره کوشیده اند تسلیم ستم نشده، موجودیت خود را به اثبات برسانند. گنجینه ادبیات عامیانه قرنهای سینه به سینه از دهان مادر بزرگها به گوش نوه ها رسیده است و گاه نویسنده ای شنیده

ادامه

کودکان و جنگ

فکر میکنید چه جوابی باید بدهید. برای اینکه بتوانیم به کودکان در مشکلات و شرایط جنگی کمک کنیم، باید در هر مرحله به سن و تجربه زندگی آنها و محیطی که درش رشد کرده اند توجه کرد. نویسندگان کتاب کودکان در جنگ و روان درمانی که در سال ۱۹۹۵ از طرف

ها را با فکر خود در آمیخته و آثاری نظیر شاهنامه به وجود آورده است. کسی که اولین بار داستانهای عامیانه ایرانی را برای کودکان گردآوری نمود صبحی مهتدی بود که فعالیتهای خود را از سالهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ شروع نمود. او از طریق رادیو با بچه ها گفتگو و قصه گویی داشت و از آنها میخواست که در راه گردآوری داستانها او را یاری نمایند و به این ترتیب سیل داستانها، مثلها و ترانه ها به سوی روانه شد. صبحی نیز این افسانه ها را در کتابهای افسانه، افسانه های کهن و عمو نوروز به ثبت رسانید. قبل از او هدایت به این کار دست زده بود. اما نه برای بچه ها، کار صبحی را میتوان کاری در حد برادران گریم در آلمان و شارل پرو در فرانسه دانست. کار صبحی

سازمان نجات کودکان در سوئد انتشار داده شده میگوید بچه های سه ساله برای زندگیهای خیلی به کمک سرپرستان خود و مناسبات با آنها احتیاج دارد. دستگاه حفاظتی و روحی آنها آنچنان قوی نیست که خود بتوانند مشکلات را دسته بندی کنند تا بتوانند تشخیص دهند از چه رنج میبرند. بچه ها نمیتوانند اتفاقات محیط خود

ادامه

رفتار با کودکان

همه می دانند که مایکل از پاپ هم طرفدار بیشتر دارد، و اگر همین الان حتی بعد از اینهمه رسوایی، وارد هر کشوری بشه، میلیونها نفر به استقبالش، می روند. این انسان به استناد داستان زندگیش، قربانی انتقال نظرات و افکار پدر به وی، است. پدر وی که منظور بدی نداشته، می خواسته که مایکل یک هنرمند بزرگ شود، پولدار و قدرتمند شود، که شده است. اما آیا واقعاً مایکل، با داشتن این همه شهرت و ثروت، خوشبخت است. نه؟ به استناد زندگی نافرجامش و به استناد، هیبت نابود شده اش نه، او خوشبخت نیست. و هیچ کودکی خوشبخت نخواهد شد، اگر بر اساس نظرات و افکار پدر و مادرش شکل بگیرد. اولین و مهمترین مشکل این کودکان این است که "من" خویش را نمی شناسند. و در طول زندگی بزرگسالی، در جستجوی این "من" هستند. به هر دری می زنند، تا "خودشان را پیدا کنند. معمولاً هم این درها، یا بسته یا به بیراهه، منتهی می شود. کودکی که مثل مایکل، یک رشد سالم فکری و جسمی مستقل نکرده باشد، تا به ابد، خود را به شکل آدمهای دیگر در می آورد، تا شاید این "من" گمشده خود را پیدا کند. این "من" برای هر انسانی ویژه و خاص است. برای همین هم هست که انسانها، این همه با متفاوت هستند، و تقریباً غیر ممکن است که شما، دو انسان را، پیدا کنید که همه چیز آنان، جسمی، روحی اخلاقی یکی باشد. رشد مستقل فکری و روحی و به دور از هر گونه دخل و تصرف کودک، این "من" ویژه و خاص وی را می سازد. این "من" هر چه باشد، خوب و بد از نظر ما، دوست داشتنی و یا قابل نفرت، این آن ماتریالی است که کودک می تواند، با تکیه به آن، خوشبختی و آسایش خویش را کشف کند. در شماره آینده، به سراغ برخورد، گروه سوم، خواهیم رفت.

ادامه

۱۴ دانش آموز در شعله های آتش سوختند

اکثر مدارس کشور در وضعیت بسیار بدی قرار دارند، تکرار این وضعیت در مناطق دیگر بسیار محتمل است. باید با اعتراضات برای بهبود وضعیت مدارس بکوشیم. سکوت ما به معنای کشته شدن تعداد باز هم بیشتری از کودکانمان است. باید اعتراض کنیم، اعتراض همین امروز. رادیو فردا: «در یک آتش سوزی مرگبار در روستایی در استان چهار محال و بختیاری بیش از ۱۴ دختر و پسر شاگردان کلاس اول تا پایان دوره ابتدایی در آتش سوختند یا از دود خفه شدند. آتش در جریان انتقال یک بخاری نفتی در یک کلاس درس روی داد. حال معلم و دانش آموزان این کلاس که دچار سوختگی شدید شده اند وخیم است و هر لحظه ممکن است به تلفات این حادثه اضافه شود. یک روزنامه نگار محلی می گوید: در اثر تلاش معلم برای بیرون بردن بخاری مآتش به بشکه نفت و از آنجا به سقف چوبی کلاس سرایت کرد. معلم و شش دانش آموز دیگر که شدیداً زخمی شده اند به اصفهان منتقل شدند و طبق آخرین اطلاعات حالشان وخیم است و هر لحظه امکان بیشتر شدن کشته شدگان این حادثه وجود دارد.»

ما منتظر اخبار، مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

مهنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب کودکان

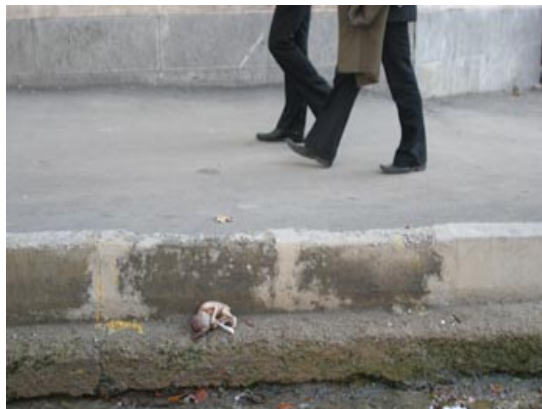
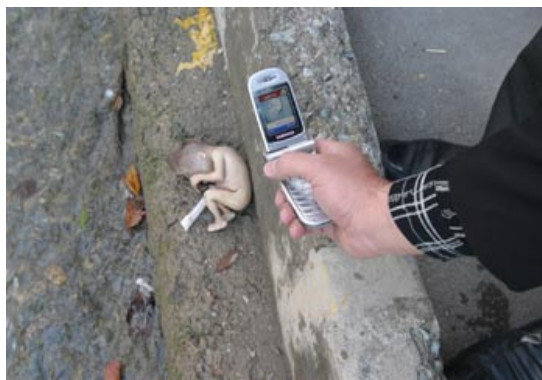
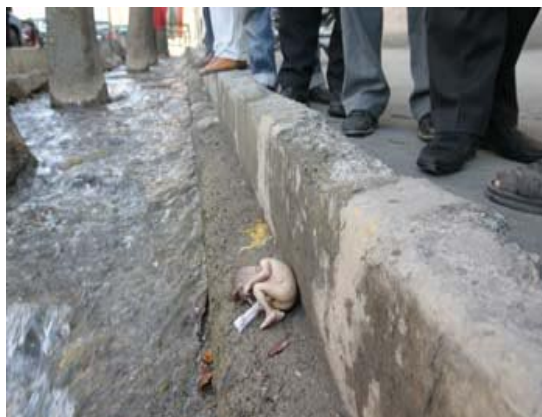
سقط جنین بی ارزشی انسان است

«کمتر پدیده ای چون سقط جنین، یعنی از میان بردن عامدانه جنین انسانی به دلیل تنگناهای فرهنگی و اقتصادی، بی ارزشی وجود آدمی و تناقض مناسبات اجتماعی استثمارگر و طبقاتی حاکم با موجودیت و سعادت بشر را به نمایش میگذارد. سقط جنین، گواه از خود بیگانگی و عجز انسان در برابر مصائب و محرومیت‌هایی است که جامعه طبقاتی موجود به او تحمیل می‌کند». (نقل از «یک دنیای بهتر»).

طبق آمار دولتی ماهانه حداقل ۱۵ جنین در زباله های تهران پیدا میشود. سقط جنین راه حلی برای خلاصی از مشقاتی است که جامعه سرمایه داری برای انسان امری بازتولید میکند. فقر، محدودیتهای فرهنگی، تسلط مذهب و در کنار اینها فرودستی کامل زن در جامعه، آمار سقط جنین را بصورت تصاعدی افزایش میدهد. وجود سقط جنین در جامعه علامتی است برای سنجش ارزش انسان در جامعه. هر چه انسان بی ارزشتر در جامعه باشد آمار سقط جنین نیز بالا خواهد بود. اگر مردم

بصورت وسیع نتوانند از تسهیلات جلوگیری از حاملگی استفاده کنند، اگر مردم از آموزش جنسی برخوردار

گردند، اگر به زنانی که به دلایل مالی ناگزیر به انجام سقط جنین میشوند، کمکهای مالی داده شود و یا دولت



مسئولیت سرپرستی نوزاد را برعهده بگیرد، اگر فشارهای اخلاقی و مذهبی و مردسالارانه در جامعه عقب رانده شود یقیناً در صد سقط جنین بسیار بسیار پائین خواهد بود. آنگاه ما جامعه ای انسانی تر خواهیم داشت. امیر توکل

۷ کودک در جنگ آمریکا در عراق کشته شدند

بی بی سی: ارتش آمریکا اعتراف کرد که به اشتباه یک بمب ۵۰۰ پوندی را بر روی خانه ای در خارج از شهر موصل انداخته است. صاحبخانه میگوید که در این بمباران ۱۴ نفر کشته شدند. پس از افتادن بمب، نیروهای آمریکایی بلافاصله منطقه را محاصره کردند و بمدت چهار ساعت از دسترسی افراد به منطقه جلوگیری کردند. این خانه به تلی از خاک تبدیل شده است و از ۱۴ تن از اعضای خانواده، ۷ کودک، چهار زن و سه مرد کشته شدند و شش نفر دیگر زخمی شدند.

گزارشی کوتاه از وضعیت بیمارستان کودکان فیروز آبادی تهران

بابک شدیدی: سلام خانم قرار بود با هم در مورد وضعیت کودکان در بیمارستان صحبت کنیم.

سلام، بله بله ولی باور کنید من الان کار دارم ولی نکته ای جالب هست که کوتاه براتون میگم.

بابک شدیدی: ممنون، پس لطفاً کمی خودتان را برای خوانندگان نشریه کودکان مقدمند معرفی کنید.

من و ۳۴ ساله هستم و تکنسین اتاق عمل بیمارستان هستم و ۴ سال است که در این بیمارستان مشغول به کارم. اینجا هر روز شاهد وقایع جدیدی هستیم که دیدن آنها برایمان جالب است البته واسه ماها عادی شده ولی برای شما که آنور آنها هستید باید جالب باشد.

همین چند روز پیش وقتی می خواستیم به همراه یکی از همکارانم از بخش اطفال به بخش اورژانس بریم دیدیم که جلوی درب ۲ نفر از مامورین انتظامات بیمارستان رفت و آمدها را کنترل می کنند، وقتی دلیلش را جویا شدیم گفتند: دیروز عصر ۲ زن که تازه زایمان کرده بودند که اتفاقاً یکی شون ۲ قولو به دنیا آورده بود به دلیل نداشتن پول و پرداخت هزینه بیمارستان با پوشیدن لباسهایشان از بیمارستان فرار کرده اند.

بابک شدیدی: مگر هزینه زایمان چقدر است؟
۱۲۰۰۰ تومان پول زایمان است

بابک شدیدی: خوب بچه هایشان را چه جوری از بیمارستان خارج کرده اند؟

اونها فقط خودشان فرار کرده اند و بچه ها را در بیمارستان رها کرده اند.

بابک شدیدی: آخه بچه ها چی میشن؟

ای آقا اینها که عادی است، دلال ها اینجا هستند و به داد بهزیستی میرسند و کلی پول از اینراه به جیب می زنند. اینها که مسایل عادی و پیش پا افتاده ای از وضعیت بیمارستانها و جامعه است، شما مثل اینکه از خیلی چیزها بی خبرید. من باید برم.

با نشریه کودکان مقدمند همکاری کنید.

ممنوعیت فوری حجاب اسلامی برای کودکان



تنبيه كودكان

سروش ابراهيمي

آيا درست استكه گوش كودك را بپيچانيم يا انگشتش يا بازويش را محكم بگيريم و بكشيم؟
 اين سوال و نظير اين سوالات انسان را به فكر فرو ميبرد تا تربيت و پرورش كودكان را هر چه دقيق تر و موشكافانه تر ارزيابي كند. يكي از عواملی كه باعث پرخاشگري كودكان ميشود نكوهش و سرزنش بخصوص تنبيه كودكان توسط والدين شان می باشد كه اين به مرور خشونت و پرخاش را در كودك تحريك ميكند. ابتدا اين برای والدين بايد مسلم و آشكار شود كه خشونت و تنبيه بدنی يك ظلم در شخصيت ظريف كودكان است. هر توهين و تنبيه جسمی موجب سلب اعتماد به نفس و فروپاشی شخصيت و روحیه كودك است. توانایی خشونت نكردن بايد در ميان والدين جا بيافتد تا كودك بدون خشونت پرورش پيدا كند. اين گونه خشونت بر كودك نیز از ميان خواهد رفت. بايد پذيرفت كه كودكان بايد در يك محيطی آرام و صميمی دور از خشونت و تهديد پرورش يابند و اين تنها با داشتن يك رفتار معقول و منطقی بدست خواهد آمد. با پيچاندن گوش كودك و از اين قبيل تنبهات جسمی تنها ارزش و اهميت كودك را نزد خودش پائين خواهد آورد. حال اگر اين نكوهش و شكستن شخصيت كودك در حضور جمع صورت گيرد موجب حالات روحی بدی خواهد شد كه برای نمونه مشكل بدخوابی يا ديدن خوابهای بد كه باعث پريشان كردن كودك می شود. اگر كودكان را در شرايطی كه احساس نارضايتی دارند و يا بهانه های مختلف می گيرند را درك كرد و کمی به عقب برگشت برای ۲ الي ۳ ساعت ميتوان تا اندازه های به مشكل پی برد و در صدد حل آن برآمد، تا از بسياری از خشونتها و بدخلفی هایی كه به دنبال آن پيش می آيد جلوگیری شود. حل مشكل در زمان مناسب با خونسردی و توضيح ساده و گویا برای كودك يکی از راه حل های خوبی می تواند باشد برای جلوگیری از تنبيه يا نكوهش و شكستن غرور و اعتماد به نفس يك كودك. يکی از تجربيات شخصی ام، روزی كودکی را همراه مادر خود ديدم. مادر كودك را هل ميدهد او به زمين می افتد. مادر عصبانی شده و به او ميگويد (آهان اين را می خواستی) كودك شروع به گريه كرد به طرف آنها رفتم و از مادر خواستم كه با كودك حرف بزنم مادر با عصبانيت گفت (بفرمائيد اگر ميتوانيد) من او را بغل كردم در حالی كه كودك گريه ميكرد پيش من زياد نماند و به طرف مادر رفت در اين حال مادر هم شروع به گريه كرد و من با ديدن اين صحنه فوق العاده ناراحت شدم و كودك را بوسيدم و پرايش توضيح دادم كه قصد من تنها برقرار كردن يك جو آرام بود نه آزار شما. مادر از من تشكر كرد و در عين حال عذر خواهی از پيش آمدن اين اتفاق كرد.
 به اميد يك دنياي شاد و بدور از خشونت و سرزنش برای تمام كودكان.

زندگی ادامه دارد

نیمکت های خالی کلاس

Ban Bang Muang ما در کلاسی ایستادیم. فقط در شش نیمکت دانش آموزان حضور دارند. هشت نیمکت دیگر خالی دانش آموزانی هستند که در فاجعه سونامی کشته شده اند.



Foto: MARTINA HUBER



Foto: MARTINA HUBER

سوييدا هفت ساله، اولين روز مدرسه بعد از تعطيلات کریسمس را در حالی شروع میکند که پدر و مادر و همچنین خیلی از دوستان و همکلاسی های خود را در سونامی از دست داده است.

به كودكان مقدمند پيوندید

ممنوعیت کار حرفه ای برای كودكان و نوجوانان